

تاسع اندرتوبه قلت للفقار **ابتدایش** المسيح ابن ميار
 عاشرهم درتوبه قالت اليسود **ابتد** کردن عزیر ابن چه سود
 یازدهم ان کفرت ناروا هم بما اشکر کمون **ابتد** ۶
 دوازدهم جایش بود بر لب کن **ابتد** از له شریک رامکن
 سیزدهم الذکرین باز دان **ابتد** الله کنیر ابراهیم مخوان
 چاردهم منما و قوبر کادون **ابتدایش** اصطفاباشد زبون
 پانزدهم بر من تو و کفر **ابتد** از فعدتبه خاطر
 شانزدهم در عصر لفر خسرست **ابتد** اش الذالذین بس خطا
 یفدهم بر لمصیلین هست سخن **ابتد** از الذینهم مکن
 ه قف کفران ختم شد هفده تمام احتوازی کن از نیوقوف السلام
خاتمه فی بیان القراءه رضی الله عنه
 در قراءت چون اماما کرام کرده اند تالیف تجوید کلام
 داده هر یک بهر تزیین کتاب اسم قراءه عقد چون در خوشنویسی
 لازم

لازم آمد از تین ابن فقیر نظم سارو بحث قرا کبیر
 اسمثال چه هم محل رواه کیت رمز در افراد چه اجل چیست
 شاید از یمن اسامو شریفی بهوه یابد از نشان ابن ضعیف **ادواد**
 2 اسماء القیام السبعة و محله و روایتهم و رموزهم علی شد زقر جلوه کسوف ان چونور
 بیست یک مشهور اند در ظهور هفت استادند شکر دان هفت
 با شد از نافع مدینه نفع یا و رش قالون راویان ان
 رمز هسه الف باو جیم دان رمزها ترتیب بر سرشان نشان
 مکه از ابن کنیر باغ کلمت راوی وی بزرگم قبل است
 دل ها و زا از شیانست نسل بصره از ابو عمر و کشته بوستان
 دور رسوسوی بود راوی او حاو طاو یا رموز هر سجو
 روشن است از ابن عامر نیز **لشام** راوی وی این دلوان هشام
 کاف لام میم نشان او محترم کوفه از عاصم شده باغ الح
 بکر حفص باشند از راوی او نون صاد عین علامت را بکو